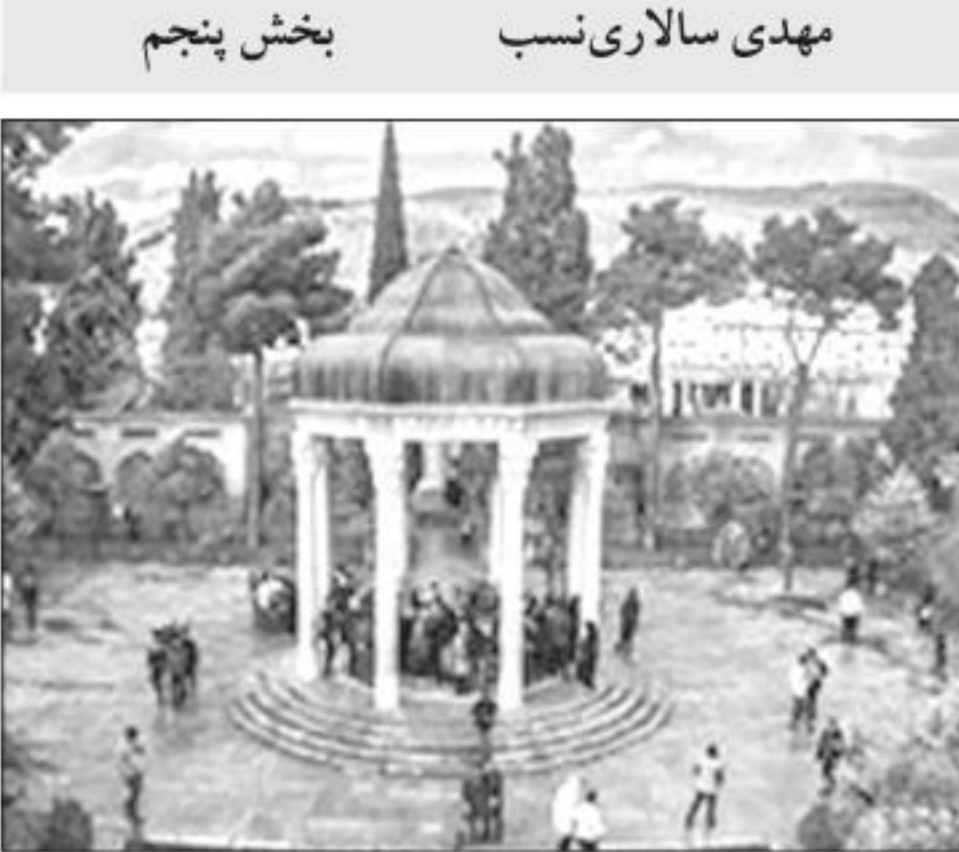


شمس و حافظ



مطلب بی‌نشان
شمس و حافظ هر دو با تفکر عرفانی و تصوف پیوند تنگاتنگی دارند. شمس ازباط و نزدیکی بیشتری با صوفیه دارد و با قطعیت بیشتری بی‌نای و را از عرفای اسلامی به شمار آورد؛ اما همواره کسانی بوده‌اند که در تعلق حافظ به عرفان و تصوف تردید کرده یا حد او را چیزی برتر از این دانسته‌اند. منوچهر ناصح‌بنصری می‌نویسد که حافظ: «اشعری وسیعتر و نامحدودتر از مشرب صوفیه دارده (مکتب حافظ) و محدرضاد شفیعی کدکنی می‌گوید: «من حافظ را در قلمرو شعر عرفانی نمی‌دانم، او عرفان است و چیز دیگر» (مقدمه مختارنامه).

این دلاوری درباره شمس هم از جهتی صدم می‌کند. درست است که شمس در اصول اندیشه، عارف است؛ یعنی بنیاد هستی‌شناسی او بر وحدت قرار دارد و قائل است که آدمی در این عالم غریب است و باید به وطن و اصل خویش بازگردد، و شناخت صحیح حقیقت را از طریق شهود ممکن می‌داند، و غالباً جستجوهای فلسفی را تخطئه می‌کند، به لحاظ آداب عملی نیز بر اظهار نیاز به سوی حق و زهدورزی و سماع تأکید دارد و از مصطلحات صوفیه مانند وقت و سرّ و مانند اینها سخن می‌گوید؛ اما اندیشه و آداب او با عارف معمول عرفا تفاوت‌هایی دارد؛ برای مثال به برخی تفاوت‌های او با مولانا اشاره می‌کنیم. برخلاف تفکر رایج، اندیشه و شخصیت و عملکرد مولانا و شمس، در همه جوانب یکسان نیست. شمس تفاوت‌هایی در شیوه زندگی، شخصیت، روحیه، اندیشه و رفتار اجتماعی با مولانا دارد. از جمله: زندگی این دو با هم متفاوت بوده است؛ شمس پنهان‌نرزی می‌کرده، اهل منبرگویی و نوشتن نبوده، مولانا برعکس، آشکارا و با جعامت زیسته، سالها تعلیم دیده و آثار بسیاری به جا نهاده، شمس اهل پراکندن مدرسه و خانقاه و مردمان نبود و مولانا همه اینها را داشتست. شمس صریحاً می‌گوید اهل همه‌صحتی با عوام نیست، در حالی که مولانا با خاص و عام، عارف و عامی، و امیر و رعیت در حشر و نشر بود.

نظریات ایشان در مورد اغلب عرفای بزرگ از جمله حلاج و یازید تفاوت دارد. شمس درباره آنها افتادات گزنده‌ای می‌کند، اما مولانا بر هیچ یک از عرفای طراز اول نمی‌نازد، بلکه همواره آنها را تمجید و تکریم می‌کند. حتی در ژاگ‌گان این دو تفاوت‌های دیده می‌شود که در برخی موارد نشان می‌دهد شمس علاوه بر سنت صوفیه، با سنت حکمای فارسی هم مرتبط است؛ برای مثال شمس همواره از واژه «سختن» استفاده می‌کند (مقالات شمس)، که پیش از هر جا در سواد فردوسی، ناصرخسرو، بیهقی و نظامی دیده می‌شود، در حالی که مولانا همه جای آن، همواره واژه «زبان» را به کار می‌برد. همه این تفاوت‌ها باعث می‌شود که مولانا را یک عارف تمام‌عیار به شمار آوریم، اما در خصوص شمس، آنگاه که جدا از سنت متافیزیسی به سخنان خود او در مقالات اصالت می‌دهیم، در اظهار این حکم قدری تردید می‌کنیم، همان تردیدی که برهضم نوشته‌های تذکرنویسان، در خصوص حافظ ملاحظه شده است، خاصه از سوسه‌های محققان معاصر. حافظ پاره‌ا، خود را زند می‌خواند و اغلب قریب به اتفاق محققان نیز مکتب او را مکتب بزرگی نامیده‌اند که ورای عرفان استست یا دست‌کم سوای عرفان، دور زندگی و شمس را هم در این وادی به حافظ نزدیک بدانیم.

ادامه دارد

وَحَفَّ العُقولَ فیما جاءَ منَ الحَکَمِ و المَواعظَ منَ آلِ

الرَّسولِ» کتابی حدیثی است، نوشته ابن شعبه حرانی محدث قرن چهارم قمری، هدف نویسنده جمع‌آوری بخشی از احادیث پیامبران و اهل بیت^{علیهم السلام} با محوریت موعظ و حکمت^{علیهم السلام}.

حکمت^{علیهم السلام}، مؤلف فصلی را به سخنان چهارده معصوم^{علیهم السلام} اختصاص داده و احادیث ایشان را در همان بخش آورده است. آنچه در اینجا می‌آید، گزیده‌ای است از بخش مربوط به امام‌حسن^{علیهم السلام}.

از امام مجتبی^{علیهم السلام} گفتاری طولانی (در حکمت، اندرز، و زهد و امثال آن) روایت شده که در جمعه پانزدهم آذر، و پرسش‌سی است در زمینه‌های گوناگون که با پدر بزرگوار ایشان یا فرد دیگری از او به عمل آورده است.

– زهد چیست؟ فرمود: دل دادن به پرهیزگاری و دست کشیدن از دنیا.

– حرم چیست؟ فرمود: فرورودن خشم و خویشتن‌داری.

– سدا چیست؟ فرمود: راندن بدی با خوبی.

– شرف چیست؟ فرمود: نیکوکاری با خوب‌یوانند و پذیرفتن جریمهٔ ایشان.

– شجاعت و مردانگی چیست؟ فرمود: دفاع از پناهنده، هنگام پیشامد ناگوار.

– سرافرازی چیست؟ فرمود: در غرامت بیخشی و از گناه دور گذری.

– بزرگواری چیست؟ فرمود: نگهداری دین و آیین، خویشن‌داری و نرم‌خویی، دقت در عمل، پرداخت حقوق، و مهرورزی با مردم.

– کرم چیست؟ فرمود: بخشش پیش از درخواست، و غذا دادن و سیر کردن مردم در زمان قحطی.

– پستی چیست؟ فرمود: توجه در ناچیز، و دریغ از ناقلیل.

– فرمایگی چیست؟ فرمود: کاستی در بخشش، و دشمنان و هنجاری در گفتار.

– بلندنظری چیست؟ فرمود: بخشش در خوشی و ناخوشی (راه و تنگناستی).

– تنگ‌نظری (بخل) چیست؟ فرمود: آنچه از مال که نزد توست، شرف پنداری و آنچه بخشیده‌ای، خسارت.

– برادری چیست؟ فرمود: برادری نمودن در سختی و راحتی.

– ناهردی (بردلی) چیست؟ فرمود: جسارت بر دوست، و ترس از دشمن.

– بی‌نیازی چیست؟ فرمود: قناعت نفس به روزی مقوم هر چند اندک باشد.

– فقر چیست؟ فرمود: حرص بسیار به هر چیز.

– گناه‌دستی چیست؟ فرمود: بخشش در حد توان.

– کرم چیست؟ فرمود: خویشن‌داری در سختی و راحتی.

– بی‌باکی چیست؟ فرمود: رویارویی با حرفیان.

– قدرت چیست؟ فرمود: سختگیری و نبرد با زورمندان.

– خورای و ذلت چیست؟ فرمود: ترسیدن به وقت راستی و درستی.

– نادانی و نهمی چیست؟ فرمود: سستیز نمودن با فرماندهان و آن کسی که بر اسیب تو قادر است.

– برتری و مزیت چیست؟ فرمود: به‌جا آوردن خوبی و صرف نظر کردن از بدی.

– دوراندیشی چیست؟ فرمود: صبر بسیار و مدارای با حکمان و احتیاط از تمام مردم.

– چه‌چیز است؟ فرمود: همراهی با برادران و نگاهداری از همسایگان.

– محرومیت چیست؟ فرمود: واگذاشتن نصیب و بهره‌رختن وقتی به تو روی آورد.

– بی‌عقلی (سهافت) چیست؟ فرمود: پیروی فرمایگان و همراهی گمراهان.

نظرها و اندیشه‌ها

– شجاعت چیست؟ فرمود: سازگاری با یاران، و صبر و پایداری به هنگام عیبجویی.

– زحمت چیست؟ فرمود: سخنن در آنچه به تو مربوط نیست.

– نادانی چیست؟ فرمود: ندانستن نفع و ضرر مالی و بی‌اعتنایی به آبرو.

– پستی چیست؟ فرمود: همه چیز را برای خود خواستن، و یاری ندادن همسر.

از فرمایشات حکیمانه آن امام است:

ای مردم، آن کسی که برای خداوند خیرخواهی کند، و

مگر آن کسی را که جایایش ساخته، شناسید. پس آنجا که بدین مطلب پی برید، از بدعت‌ها و ظاهرسازی‌ها باجهر شوید، و افتخار بر خدا و تحریف را می‌پسیند، و نیز درمی‌یابید آن کسی که سهل کرد، چگونه سقوط کرد.
میاد افراد نالان شما را به وادی جفت و نادانی بکشند. پس [فهم] آن را از اهلسن خوهاید، زیرا تنها آنان هستند نوری که از پرتوشان روشنائی می‌چوبند، و امامانی که از آنان پیروی می‌شود.
ایشانند که ظاهرشان از باطنشان حکایت می‌کند، نه بی‌حد.
مخالفتند و نه در آن اختلاف می‌کنند. و از جانب خدا برای ایشان سنت و روشی مقرر کرده‌اند.

در محضر امام حسن مجتبی (ع)

ترجمه بهراد جعفری

ابن شعبه حرانی

شرف چیست؟

شرف چیست؟ فرمود: نیکوکاری با خوب‌یوانند و پذیرفتن جریمهٔ ایشان.

شجاعت و مردانگی چیست؟ فرمود: دفاع از پناهنده، هنگام پیشامد ناگوار.

سرافرازی چیست؟ فرمود: در غرامت بیخشی و از گناه دور گذری.

بزرگواری چیست؟ فرمود: نگهداری دین و آیین، خویشن‌داری و نرم‌خویی، دقت در عمل، پرداخت حقوق، و مهرورزی با مردم.

کرم چیست؟ فرمود: بخشش پیش از درخواست، و غذا دادن و سیر کردن مردم در زمان قحطی.

پستی چیست؟ فرمود: توجه در ناچیز، و دریغ از ناقلیل.

فرمایگی چیست؟ فرمود: کاستی در بخشش، و دشمنان و هنجاری در گفتار.

بلندنظری چیست؟ فرمود: بخشش در خوشی و ناخوشی (راه و تنگناستی).

تنگ‌نظری (بخل) چیست؟ فرمود: آنچه از مال که نزد توست، شرف پنداری و آنچه بخشیده‌ای، خسارت.

برادری چیست؟ فرمود: برادری نمودن در سختی و راحتی.

ناهردی (بردلی) چیست؟ فرمود: جسارت بر دوست، و ترس از دشمن.

بی‌نیازی چیست؟ فرمود: قناعت نفس به روزی مقوم هر چند اندک باشد.

فقر چیست؟ فرمود: حرص بسیار به هر چیز.

گناه‌دستی چیست؟ فرمود: بخشش در حد توان.

کرم چیست؟ فرمود: خویشن‌داری در سختی و راحتی.

بی‌باکی چیست؟ فرمود: رویارویی با حرفیان.

قدرت چیست؟ فرمود: سختگیری و نبرد با زورمندان.

خورای و ذلت چیست؟ فرمود: ترسیدن به وقت راستی و درستی.

نادانی و نهمی چیست؟ فرمود: سستیز نمودن با فرماندهان و آن کسی که بر اسیب تو قادر است.

برتری و مزیت چیست؟ فرمود: به‌جا آوردن خوبی و صرف نظر کردن از بدی.

دوراندیشی چیست؟ فرمود: صبر بسیار و مدارای با حکمان و احتیاط از تمام مردم.

چه‌چیز است؟ فرمود: همراهی با برادران و نگاهداری از همسایگان.

محرومیت چیست؟ فرمود: واگذاشتن نصیب و بهره‌رختن وقتی به تو روی آورد.

بی‌عقلی (سهافت) چیست؟ فرمود: پیروی فرمایگان و همراهی گمراهان.

فرمان خداست.

فرد شامی گفت: «گواهی می‌دهم که تو فرزند رسول بزرگوارمی و در جهل گانم بود، کوچک و حقیر بودن دنیا

در چشمش بود. بعد که پهل او سلطانی نداشت، از این رو هیچ حسنی را جز به جانب فرد مطمئن برای سودی دراز نمی‌کرد، نه شگوه می‌کرد و نه خشکمنش و ناراضی بود و

نه دلنگ و ملول، بیشتر عرش خاموش بود، و چون لب به سخن می‌گشود، گویندگان را از گفتار بازمی‌داشت. در ظاهر افتاده بود و در دیده‌ها ناتوان می‌نمود؛ ولی به هنگام پایبندی و بر زبان نمی‌راند و گفته‌ها را واجب و انجام می‌داد، هر گاه دو کار برایش پیش می‌آمد که نمی‌توانست کدام به رضای پروردگار نزدیکتر است، هر کدام را که به هوای نفس نزدیکتر می‌دید، با آن مخالفت می‌کرد، هیچ کس را به کرداری که جای عذر دارد، سرزنش نمی‌کرد.

۱۴- هر کس پیوسته در جهت نماز به مسجد برود، یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: نشانه محمد صلی که در راه حق و از استسوار سازند؛ یا برادری که محرم

استفاده‌اش باشد، یا دانش تازه، یا رحمتی [از طرف حق] که در انتظار آن بوده، یا سخنی که او را به راه خیر و نجات

راهنمایی کند، یا او را از بدی بازدارد، یا گناه را از روی حیا ترک گوید و یا از سر ترس وانهد.

۱۵- پرسیدند: مردانگی چیست؟ فرمود: حرص ورزیدن مسرد بر دین خود، و اصلاح مال و ثروتش، و رعایت حقوق.

۱۶- بی‌شک بیناترین چشم‌ها آن است که نافذ و بینای خیر، و عقیده و مذهب باشد، و خوشترین گوشت‌ها آن است که پند و اندرز را به خاطر سپسرد و به سود خود به کار گیرد و سالم‌ترین دل‌ها آن است که از هر شیبه و تردیدی پاک باشد.

۱۷- هر که طالب عبادت است، خود را برای آن [از هر گناهی] پاکیزه سازد. اگر مستحبات به واجبات زیان برساند، مستحبات با ترک گوید.

۱۸- باور و یقین پانجاهای راستی و سلامت است. هر کس که دوری سفر را به یاد بیارد، مهیای آن می‌شود.

۱۹- عاقل کسی را که از او موعظه‌خواهد، فریب ندهد؛ میان شما و اندرز، پردهٔ بزرگمنشی است. دانش، عذر و بهانه را بر طالب علم بسته است. تمام افرادی که زلماتشان به سر آمد، خواهان مهلتند، و هر صاحب‌مهلتی تعلل می‌ورزد و کوتاهی!

۲۰- بی‌بندگان خدا، از خدا پروا کنید، **و در محبت‌تجو** بخشتی از کلیه سپهبدان ارتش و کوشش به کار بردار **Pharaoh** نزل برده‌ای و باغهای بادیه و درهم گویندهٔ لذتها، در عمل پشتیبانید، که یقیناً این سرانعمت‌هایش نباید، و از آسایش یعنی نباشد، از بدبختیهای جگرگیری نیست. این سرا فریبنده است و دل‌انگیز، اما روزگاری بی‌روم، همچون ستونی است مشرف بر سقوط. پس ای بندگان خدا از عبرت‌ها درس بگیرید، و

تو متوجه آسایشیانیان باشید. برای بهشت، دست از گناه کشید و پند و اندرز را بر کار بندید. تنها خداوند تبارک و تعالی است که روزی، در هر پادشاهی قنایت می‌کند، و دوزخ از آن هر کبفر و سرانجام بد قنایت می‌کند.

۲۱- هر کس پیوسته در جهت نماز به مسجد برود، یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: نشانه محمد صلی که در راه حق و از استسوار سازند؛ یا برادری که محرم

استفاده‌اش باشد، یا دانش تازه، یا رحمتی [از طرف حق] که در انتظار آن بوده، یا سخنی که او را به راه خیر و نجات

راهنمایی کند، یا او را از بدی بازدارد، یا گناه را از روی حیا ترک گوید و یا از سر ترس وانهد.

۲۲- بی‌شک بیناترین چشم‌ها آن است که نافذ و بینای خیر، و عقیده و مذهب باشد، و خوشترین گوشت‌ها آن است که پند و اندرز را به خاطر سپسرد و به سود خود به کار گیرد و سالم‌ترین دل‌ها آن است که از هر شیبه و تردیدی پاک باشد.

۲۳- هر که طالب عبادت است، خود را برای آن [از هر گناهی] پاکیزه سازد. اگر مستحبات به واجبات زیان برساند، مستحبات با ترک گوید.

۲۴- باور و یقین پانجاهای راستی و سلامت است. هر کس که دوری سفر را به یاد بیارد، مهیای آن می‌شود.

۲۵- عاقل کسی را که از او موعظه‌خواهد، فریب ندهد؛ میان شما و اندرز، پردهٔ بزرگمنشی است. دانش، عذر و بهانه را بر طالب علم بسته است. تمام افرادی که زلماتشان به سر آمد، خواهان مهلتند، و هر صاحب‌مهلتی تعلل می‌ورزد و کوتاهی!

۲۶- بی‌بندگان خدا، از خدا پروا کنید، **و در محبت‌تجو** بخشتی از کلیه سپهبدان ارتش و کوشش به کار بردار **Pharaoh** نزل برده‌ای و باغهای بادیه و درهم گویندهٔ لذتها، در عمل پشتیبانید، که یقیناً این سرانعمت‌هایش نباید، و از آسایش یعنی نباشد، از بدبختیهای جگرگیری نیست. این سرا فریبنده است و دل‌انگیز، اما روزگاری بی‌روم، همچون ستونی است مشرف بر سقوط. پس ای بندگان خدا از عبرت‌ها درس بگیرید، و

تو متوجه آسایشیانیان باشید. برای بهشت، دست از گناه کشید و پند و اندرز را بر کار بندید. تنها خداوند تبارک و تعالی است که روزی، در هر پادشاهی قنایت می‌کند، و دوزخ از آن هر کبفر و سرانجام بد قنایت می‌کند.

۲۷- هر کس پیوسته در جهت نماز به مسجد برود، یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: نشانه محمد صلی که در راه حق و از استسوار سازند؛ یا برادری که محرم

استفاده‌اش باشد، یا دانش تازه، یا رحمتی [از طرف حق] که در انتظار آن بوده، یا سخنی که او را به راه خیر و نجات

راهنمایی کند، یا او را از بدی بازدارد، یا گناه را از روی حیا ترک گوید و یا از سر ترس وانهد.

۲۸- بی‌شک بیناترین چشم‌ها آن است که نافذ و بینای خیر، و عقیده و مذهب باشد، و خوشترین گوشت‌ها آن است که پند و اندرز را به خاطر سپسرد و به سود خود به کار گیرد و سالم‌ترین دل‌ها آن است که از هر شیبه و تردیدی پاک باشد.

۲۹- هر که طالب عبادت است، خود را برای آن [از هر گناهی] پاکیزه سازد. اگر مستحبات به واجبات زیان برساند، مستحبات با ترک گوید.

۳۰- باور و یقین پانجاهای راستی و سلامت است. هر کس که دوری سفر را به یاد بیارد، مهیای آن می‌شود.

۳۱- عاقل کسی را که از او موعظه‌خواهد، فریب ندهد؛ میان شما و اندرز، پردهٔ بزرگمنشی است. دانش، عذر و بهانه را بر طالب علم بسته است. تمام افرادی که زلماتشان به سر آمد، خواهان مهلتند، و هر صاحب‌مهلتی تعلل می‌ورزد و کوتاهی!

۳۲- بی‌بندگان خدا، از خدا پروا کنید، **و در محبت‌تجو** بخشتی از کلیه سپهبدان ارتش و کوشش به کار بردار **Pharaoh** نزل برده‌ای و باغهای بادیه و درهم گویندهٔ لذتها، در عمل پشتیبانید، که یقیناً این سرانعمت‌هایش نباید، و از آسایش یعنی نباشد، از بدبختیهای جگرگیری نیست. این سرا فریبنده است و دل‌انگیز، اما روزگاری بی‌روم، همچون ستونی است مشرف بر سقوط. پس ای بندگان خدا از عبرت‌ها درس بگیرید، و

تو متوجه آسایشیانیان باشید. برای بهشت، دست از گناه کشید و پند و اندرز را بر کار بندید. تنها خداوند تبارک و تعالی است که روزی، در هر پادشاهی قنایت می‌کند، و دوزخ از آن هر کبفر و سرانجام بد قنایت می‌کند.

۳۳- هر کس پیوسته در جهت نماز به مسجد برود، یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: نشانه محمد صلی که در راه حق و از استسوار سازند؛ یا برادری که محرم

استفاده‌اش باشد، یا دانش تازه، یا رحمتی [از طرف حق] که در انتظار آن بوده، یا سخنی که او را به راه خیر و نجات

راهنمایی کند، یا او را از بدی بازدارد، یا گناه را از روی حیا ترک گوید و یا از سر ترس وانهد.

۳۴- بی‌شک بیناترین چشم‌ها آن است که نافذ و بینای خیر، و عقیده و مذهب باشد، و خوشترین گوشت‌ها آن است که پند و اندرز را به خاطر سپسرد و به سود خود به کار گیرد و سالم‌ترین دل‌ها آن است که از هر شیبه و تردیدی پاک باشد.

۳۵- هر که طالب عبادت است، خود را برای آن [از هر گناهی] پاکیزه سازد. اگر مستحبات به واجبات زیان برساند، مستحبات با ترک گوید.

۳۶- باور و یقین پانجاهای راستی و سلامت است. هر کس که دوری سفر را به یاد بیارد، مهیای آن می‌شود.

۳۷- عاقل کسی را که از او موعظه‌خواهد، فریب ندهد؛ میان شما و اندرز، پردهٔ بزرگمنشی است. دانش، عذر و بهانه را بر طالب علم بسته است. تمام افرادی که زلماتشان به سر آمد، خواهان مهلتند، و هر صاحب‌مهلتی تعلل می‌ورزد و کوتاهی!

۳۸- بی‌بندگان خدا، از خدا پروا کنید، **و در محبت‌تجو** بخشتی از کلیه سپهبدان ارتش و کوشش به کار بردار **Pharaoh** نزل برده‌ای و باغهای بادیه و درهم گویندهٔ لذتها، در عمل پشتیبانید، که یقیناً این سرانعمت‌هایش نباید، و از آسایش یعنی نباشد، از بدبختیهای جگرگیری نیست. این سرا فریبنده است و دل‌انگیز، اما روزگاری بی‌روم، همچون ستونی است مشرف بر سقوط. پس ای بندگان خدا از عبرت‌ها درس بگیرید، و

تو متوجه آسایشیانیان باشید. برای بهشت، دست از گناه کشید و پند و اندرز را بر کار بندید. تنها خداوند تبارک و تعالی است که روزی، در هر پادشاهی قنایت می‌کند، و دوزخ از آن هر کبفر و سرانجام بد قنایت می‌کند.

۳۹- هر کس پیوسته در جهت نماز به مسجد برود، یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: نشانه محمد صلی که در راه حق و از استسوار سازند؛ یا برادری که محرم

استفاده‌اش باشد، یا دانش تازه، یا رحمتی [از طرف حق] که در انتظار آن بوده، یا سخنی که او را به راه خیر و نجات

راهنمایی کند، یا او را از بدی بازدارد، یا گناه را از روی حیا ترک گوید و یا از سر ترس وانهد.

۴۰- بی‌شک بیناترین چشم‌ها آن است که نافذ و بینای خیر، و عقیده و مذهب باشد، و خوشترین گوشت‌ها آن است که پند و اندرز را به خاطر سپسرد و به سود خود به کار گیرد و سالم‌ترین دل‌ها آن است که از هر شیبه و تردیدی پاک باشد.

۴۱- هر که طالب عبادت است، خود را برای آن [از هر گناهی] پاکیزه سازد. اگر مستحبات به واجبات زیان برساند، مستحبات با ترک گوید.

۴۲- باور و یقین پانجاهای راستی و سلامت است. هر کس که دوری سفر را به یاد بیارد، مهیای آن می‌شود.

۴۳- عاقل کسی را که از او موعظه‌خواهد، فریب ندهد؛ میان شما و اندرز، پردهٔ بزرگمنشی است. دانش، عذر و بهانه را بر طالب علم بسته است. تمام افرادی که زلماتشان به سر آمد، خواهان مهلتند، و هر صاحب‌مهلتی تعلل می‌ورزد و کوتاهی!

۴۴- بی‌بندگان خدا، از خدا پروا کنید، **و در محبت‌تجو** بخشتی از کلیه سپهبدان ارتش و کوشش به کار بردار **Pharaoh** نزل برده‌ای و باغهای بادیه و درهم گویندهٔ لذتها، در عمل پشتیبانید، که یقیناً این سرانعمت‌هایش نباید، و از آسایش یعنی نباشد، از بدبختیهای جگرگیری نیست. این سرا فریبنده است و دل‌انگیز، اما روزگاری بی‌روم، همچون ستونی است مشرف بر سقوط. پس ای بندگان خدا از عبرت‌ها درس بگیرید، و

تو متوجه آسایشیانیان باشید. برای بهشت، دست از گناه کشید و پند و اندرز را بر کار بندید. تنها خداوند تبارک و تعالی است که روزی، در هر پادشاهی قنایت می‌کند، و دوزخ از آن هر کبفر و سرانجام بد قنایت می‌کند.

۴۵- هر کس پیوسته در جهت نماز به مسجد برود، یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: نشانه محمد صلی که در راه حق و از استسوار سازند؛ یا برادری که محرم

استفاده‌اش باشد، یا دانش تازه، یا رحمتی [از طرف حق] که در انتظار آن بوده، یا سخنی که او را به راه خیر و نجات

راهنمایی کند، یا او را از بدی بازدارد، یا گناه را از روی حیا ترک گوید و یا از سر ترس وانهد.

۴۶- بی‌شک بیناترین چشم‌ها آن است که نافذ و بینای خیر، و عقیده و مذهب باشد، و خوشترین گوشت‌ها آن است که پند و اندرز را به خاطر سپسرد و به سود خود به کار گیرد و سالم‌ترین دل‌ها آن است که از هر شیبه و تردیدی پاک باشد.

۴۷- هر که طالب عبادت است، خود را برای آن [از هر گناهی] پاکیزه سازد. اگر مستحبات به واجبات زیان برساند، مستحبات با ترک گوید.

۴۸- باور و یقین پانجاهای راستی و سلامت است. هر کس که دوری سفر را به یاد بیارد، مهیای آن می‌شود.

۴۹- عاقل کسی را که از او موعظه‌خواهد، فریب ندهد؛ میان شما و اندرز، پردهٔ بزرگمنشی است. دانش، عذر و بهانه را بر طالب علم بسته است. تمام افرادی که زلماتشان به سر آمد، خواهان مهلتند، و هر صاحب‌مهلتی تعلل می‌ورزد و کوتاهی!

۵۰- بی‌بندگان خدا، از خدا پروا کنید، **و در محبت‌تجو** بخشتی از کلیه سپهبدان ارتش و کوشش به کار بردار **Pharaoh** نزل برده‌ای و باغهای بادیه و درهم گویندهٔ لذتها، در عمل پشتیبانید، که یقیناً این سرانعمت‌هایش نباید، و از آسایش یعنی نباشد، از بدبختیهای جگرگیری نیست. این سرا فریبنده است و دل‌انگیز، اما روزگاری بی‌روم، همچون ستونی است مشرف بر سقوط. پس ای بندگان خدا از عبرت‌ها درس بگیرید، و

تو متوجه آسایشیانیان باشید. برای بهشت، دست از گناه کشید و پند و اندرز را بر کار بندید. تنها خداوند تبارک و تعالی است که روزی، در هر پادشاهی قنایت می‌کند، و دوزخ از آن هر کبفر و سرانجام بد قنایت می‌کند.

۵۱- هر کس پیوسته در جهت نماز به مسجد برود، یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: نشانه محمد صلی که در راه حق و از استسوار سازند؛ یا برادری که محرم

استفاده‌اش باشد، یا دانش تازه، یا رحمتی [از طرف حق] که در انتظار آن بوده، یا سخنی که او را به راه خیر و نجات

راهنمایی کند، یا او را از بدی بازدارد، یا گناه را از روی حیا ترک گوید و یا از سر ترس وانهد.

۵۲- بی‌شک بیناترین چشم‌ها آن است که نافذ و بینای خیر، و عقیده و مذهب باشد، و خوشترین گوشت‌ها آن است که پند و اندرز را به خاطر سپسرد و به سود خود به کار گیرد و سالم‌ترین دل‌ها آن است که از هر شیبه و تردیدی پاک باشد.

۵۳- هر که طالب عبادت است، خود را برای آن [از هر گناهی] پاکیزه سازد. اگر مستحبات به واجبات زیان برساند، مستحبات با ترک گوید.